پژوهشنامه رسانه بین‌الملل/ سال دهم/ شماره دوم/ شماره پیاپی شانزدهم/ پاییز و زمستان ۱۴۰۴/ ۳۹۵-۳۷۷

بازنمایی درگیری‌های ایران و اسرائیل در رسانه‌های فارسی زبان خارجی (مطالعه موردی: بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال و رادیو فردا)

محمد لعل‌علیزاده،[۱] مرتضی ارژنگی[۲]

چکیده

این پژوهش با هدف توسعه چارچوب تحلیلی تلفیقی، بازنمایی رویدادهای سیاسی ایران را در سه رسانه فارسی‌زبان خارجی بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال و رادیو فردا از خرداد ۱۴۰۱ تا تیر ۱۴۰۴ بررسی کرده است. پرسش محوری پژوهش این بود که رسانه‌های مذکور چگونه رویدادها را قاب‌بندی کرده و چه تفاوت‌های گفتمانی بین آن‌ها وجود دارد؟ روش پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل گفتمان بوده و نمونه‌ها، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در کل ۱۲۲ روایت خبری بر اساس شدت پوشش و تنوع گفتمانی کدگذاری و تحلیل شدند. تحلیل‌ها نشان داد این سه رسانه با به کارگیری قاب‌های «بحران یا تهدید» و «مشروعیت‌زدایی» به روایت‌سازی پرداخته‌اند، اما زاویه دید هر یک متفاوت است: بی‌بی‌سی فارسی بر تهدید خارجی، ایران اینترنشنال بر سرکوب و قربانی‌سازی داخلی و رادیو فردا بر بحران شفافیت متمرکز بوده‌اند. مطالعه موردی جنگ دوازده‌روزه نیز چهار الگوی گفتمانی کلیدی را آشکار ساخت: قاب‌بندی هم‌زمان بحران و مشروعیت‌زدایی، اتکای گسترده به منابع ناشناس، طرح ادعاهای فنی بدون تأیید مستقل و نمادگرایی هدفمند. نتیجه‌گیری حاکی از آن بود که تلفیق تحلیل گفتمان انتقادی و نظریه قاب‌بندی با الگوی سه‌گانه، چارچوبی کارآمد برای تحلیل بازنمایی‌های رسانه‌ای در بستر جنگ شناختی فراهم می‌آورد و دلالت‌های عملی برای سیاست‌گذاری رسانه‌ای و آموزش سواد رسانه‌ای دارد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل انتقادی گفتمان، جنگ شناختی، رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی، درگیری ایران و اسرائیل، قاب‌بندی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۳۰

Doi: 10.22034/imrl.2026.587228.1372

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
m.lalalizadeh@pnu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
Mortezaarzhangi0@gmail.com

مقدمه

در عصر رسانه‌های دیجیتال فراملی، روایت‌سازی رسانه‌ای از اطلاع‌رسانی صرف فراتر رفته و به سازوکاری نظام‌مند برای معنابخشی و شکل‌دهی به ادراک عمومی تبدیل شده است. رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور با بهره‌گیری از انتشار فرامرزی و دسترسی به منابع بین‌المللی، در بازنمایی رویدادهای سیاسی ایران نقشی فعال ایفا می‌کنند. مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که بسیاری از مطالعات موجود یا به تحلیل یک رسانه یا یک رویداد خاص محدود بوده‌اند (رحمانی حسین‌آبادی، ۱۴۰۱: ۹۸–۲۵؛ گنجی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۵–۸۳) و یا با روش‌های کمی صرفاً به سنجش بسامد واژگان پرداخته‌اند. این رویکردها قادر به آشکارسازی لایه‌های پنهان معنایی و گفتمانی در بازه زمانی طولانی و میان چند رسانه نیستند. برای پر کردن این خلأ، پژوهش حاضر با دامنه زمانی تقریباً سه‌ساله (خرداد ۱۴۰۱ تا تیر ۱۴۰۴) و رویکردی چندرسانه‌ای، به تحلیل نظام‌مند الگوهای روایت‌سازی در سه رسانه اصلی فارسی‌زبان خارجی (بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال و رادیو فردا) می‌پردازد و درگیری نظامی ۱۲روزه ایران و اسرائیل را به‌عنوان مطالعه موردی واکاوی می‌نماید.

اهمیت در این میان، درگیری نظامی ۱۲روزه ایران و اسرائیل به‌عنوان مطالعه موردی، به‌عنوان محور کانونی و نقطه اوج تنش‌های امنیتی در بازه زمانی پژوهش، بستری غنی برای آزمون و تعمیق چارچوب تحلیلی فراهم کرد.

در سال‌های اخیر، ایران با رویدادهای سیاسی متعددی مواجه بوده که بازتاب فراملی داشته‌اند. ناآرامی‌های سراسری «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱، تحولات دیپلماتیک، انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری و در نهایت جنگ دوازده‌روزه با اسرائیل در خرداد و تیر ۱۴۰۴، از جمله این رخدادها هستند.

هم‌زمان، سه رسانه فارسی‌زبان خارجی یعنی بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال و رادیو فردا، روایت‌هایی تولید کرده‌اند که در لایه‌های معنایی و ارزشی با یکدیگر و با گفتمان رسمی داخلی تفاوت‌های بنیادین دارند. ضرورت انجام این مطالعه از دو عامل کلیدی ناشی می‌شود. نخست، انتخاب این سه رسانه نه به‌عنوان یک گزینش تصادفی، بلکه به‌دلیل نقش‌محوری آن‌ها در شکل‌دهی به افق خبری مخاطبان فارسی‌زبان و تفاوت‌های ساختاری‌شان صورت‌گرفته است: بی‌بی‌سی فارسی با بودجه عمومی بریتانیا و مأموریت رسانه‌ای بین‌المللی، ایران اینترنشنال با ابهام در منابع مالی، رادیو فردا با بودجه مصوب کنگره آمریکا. این تنوع ساختاری بستری ایده‌آل

برای تحلیل تطبیقی تأثیر جهت‌گیری‌های نهادی بر روایت‌سازی فراهم می‌کند. دوم، انتخاب بازه زمانی سه‌ساله مبتنی بر ضرورت روش‌شناختی است: شناسایی الگوهای گفتمانی پایدار ـ نه واکنش‌های مقطعی ـ مستلزم بررسی روایت‌ها در طول زمان و در مواجهه با رویدادهای متنوع است. به‌عبارت‌دیگر، جنگ دوازده‌روزه به‌عنوان نقطه اوج تنش‌ها تنها در بستر تحولات پیشین قابل‌درک عمیق است و تحلیل منفرد آن بدون توجه به زمینه تاریخی، تصویری ناقص از راهبردهای روایت‌سازی ارائه می‌دهد. ازاین‌رو، این مقاله ابتدا الگوهای کلی روایت‌سازی را شناسایی می‌کند و سپس، با تمرکز بر جنگ دوازده‌روزه، آن‌ها را در مصداقی عینی می‌آزماید.

اهمیت این پژوهش در توسعه یک چارچوب تحلیلی تلفیقی است که سطوح زبانی، گفتمانی و شناختی را به‌طور هم‌زمان پوشش می‌دهد. یافته‌های آن می‌تواند برای سیاست‌گذاران رسانه‌ای در طراحی راهبردهای مقابله با جنگ شناختی و برای برنامه‌های آموزش سواد رسانه‌ای برای ارتقای تحلیل انتقادی مخاطبان به کار رود. پرسش اصلی پژوهش این است که رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی چگونه رویدادهای سیاسی ایران را در بازه زمانی خرداد ۱۴۰۱ تا تیر ۱۴۰۴ قاب‌بندی کرده‌اند و چه الگوهای گفتمانی و قاب‌های معنایی در روایت‌های آن‌ها قابل‌شناسایی است. بر این اساس و با اتکاء به چارچوب نظری پژوهش، فرضیه‌های زیر بررسی می‌شوند:

۱. فرضیه اصلی: رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور در بازنمایی رویدادهای سیاسی ایران طی بازه مورد نظر، از جهت‌گیری‌های گفتمانی متمایز و سبک‌های روایت‌سازی خاصی بهره می‌گیرند که تفاوت‌های معنایی و ارزشی آن‌ها در مقایسه با گفتمان رسمی جمهوری اسلامی قابل شناسایی است.

۲. فرضیه فرعی اول (الگوهای قاب‌بندی): چارچوب‌های معنایی غالب در این رسانه‌ها (مانند قاب‌های «بحران یا تهدید»، «مشروعیت‌زدایی» و «قربانی‌سازی») به‌طور نظام‌مند برای تضعیف مشروعیت نهادهای رسمی و برجسته‌سازی بحران‌های داخلی به کار گرفته می‌شوند.

۳. فرضیه فرعی دوم (تکنیک‌های روایت‌سازی): این رسانه‌ها از تکنیک‌های زبانی و بصری هدفمند (مانند: کاربرد واژگان شدت‌زا، ارجاع به منابع ناشناس و استفاده از نمادگرایی) برای جهت‌دهی به ادراک مخاطب و تقویت روایت‌های خود بهره می‌برند.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با بازنمایی رسانه‌ای رویدادهای سیاسی ایران در رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی را می‌توان در چهار دسته اصلی طبقه‌بندی کرد که هر یک از زاویه‌ای خاص به موضوع پرداخته و واجد محدودیت‌های مشخصی هستند.

۱-۱. مطالعات تک‌رسانه‌ای با تمرکز بر یک رویداد خاص

بخش قابل‌توجهی از پژوهش‌های موجود تنها به یک رسانه و یک رویداد پرداخته‌اند. برای نمونه، گنجی و همکاران (۱۴۰۱) در تحلیل گفتمان اخبار ایران اینترنشنال صرفاً بر اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ متمرکز بوده‌اند. نجفی و همکاران (۱۴۰۲) نیز تنها شبکه بی‌بی‌سی فارسی را در بازه شهریور و مهر ۱۴۰۱ بررسی کرده‌اند. سروستانی و همکاران (۱۴۰۲) هم به‌نقش ایران اینترنشنال در همان بازه زمانی پرداخته‌اند. اگرچه این مطالعات بینش‌های ارزشمندی ارائه می‌دهند، اما تمرکز آن‌ها بر یک رسانه و یک مقطع زمانی کوتاه، امکان تحلیل تطبیقی میان رسانه‌ها و شناسایی الگوهای پایدار در طول زمان را محدود می‌سازد.

۱-۲. مطالعات تطبیقی محدود

مکاری (۱۴۰۳) با مقایسه پوشش خبری حادثه شاه‌چراغ در سه شبکه ایران اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی و شبکه خبر صداوسیما گامی به‌سوی تحلیل تطبیقی برداشته، اما این مطالعه نیز به یک رویداد منفرد محدود مانده و از تحلیل زمینه‌ای چندلایه و پیوند با کنش‌های گفتمانی کلان بی‌بهره است. قاسمی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در تحلیل گفتمان پوشش خبری بی‌بی‌سی فارسی و العربیه فارسی صرفاً بر موضوع تعهدات برجامی متمرکز بوده‌اند. این دسته از مطالعات، علی‌رغم گستردگی بیشتر نسبت به دسته نخست، همچنان فاقد دامنه زمانی کافی برای ردیابی روندهای گفتمانی هستند.

۱-۳. مطالعات کمّی و فاقد عمق گفتمانی

در سطح بین‌المللی، پژوهش‌هایی مانند سمتکو و والکنبورگ[1] (۲۰۰۰) با کمی‌سازی فریم‌های خبری، یا گانس[2] (۱۹۸۹) و گمسون و مودیگلیانی[1] (۱۹۸۹) با تحلیل بسته‌های تفسیری،

1. Semetko and Valkenburg
2. Gans

چارچوب‌های نظری ارزشمندی برای تحلیل رسانه‌ای فراهم کرده‌اند. بااین‌حال، رویکرد کمّی در این مطالعات امکان واکاوی لایه‌های پنهان معنایی و سازوکارهای زبانی جهت‌دهی به مخاطب را محدود می‌کند. ازسوی‌دیگر چالیاراکی[2] (۲۰۰۶) با ترکیب تحلیل گفتمان و مطالعات رسانه بر اهمیت تحلیل کیفی تأکید کرده است، اما چارچوبی تلفیقی برای تحلیل هم‌زمان سطوح زبانی، گفتمانی و شناختی ارائه نمی‌دهد.

۴-۱. مطالعات نظری فاقد تحلیل تجربی رسانه‌های فارسی‌زبان

توسو[3] (۲۰۱۹) به تحلیل ساختار اقتصادی و سیاسی شبکه‌های فراملی می‌پردازد. همچنین ون-دایک[4] (۲۰۱۸) چارچوب اجتماعی–شناختی را برای تحلیل گفتمان معرفی می‌کند، اما هیچ‌یک از این چارچوب‌ها به‌طور مشخص بر رسانه‌های فارسی‌زبان و رویدادهای سیاسی ایران اعمال نشده‌اند. شکاف میان نظریه‌های موجود و کاربست تجربی آن‌ها در بستر رسانه‌های فراملی فارسی‌زبان، یکی از خلأهای اساسی در این حوزه است.

بررسی نظام‌مند پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات موجود فاقد تلفیق سه عنصر کلیدی هستند: الف) رویکرد چندرسانه‌ای و تطبیقی میان رسانه‌های مختلف؛ ب) دامنه زمانی طولانی برای شناسایی الگوهای پایدار و ج) چارچوب تحلیلی تلفیقی که سطوح زبانی، گفتمانی و شناختی را هم‌زمان پوشش دهد. پژوهش حاضر با طراحی یک مدل مفهومی سه‌گانه و تحلیل ۱۲۲ روایت از سه رسانه اصلی فارسی‌زبان خارجی در بازه زمانی سه‌ساله، دقیقاً در پی پرکردن این شکاف سه‌وجهی است. از منظر روش‌شناختی نیز، این مطالعه با نمونه‌گیری تطبیقی سه‌رسانه‌ای، ترکیب روش‌های کمّی و تحلیل گفتمان انتقادی[5] و تحلیل زمانی پیش، حین و پس از روایت امکان شناسایی الگوهای پایدار گفتمانی و آزمون تطبیقیِ تأثیر جهت‌گیری‌های نهادی بر روایت‌سازی را فراهم می‌آورد.

---

1. Gamson and Modigliani
2. Chouliaraki
3. Tosso
4. Van Dijk
5. CDA (Critical Discourse Analysis)

مبانی نظری

این پژوهش برای تحلیل چندلایه روایت‌های رسانه‌ای، چارچوبی تلفیقی از تحلیل گفتمان انتقادی، نظریه قاب‌بندی[1] و مفاهیم جنگ شناختی و امنیت نرم[2] را به کار می‌گیرد. تلفیق این رویکردها، بر خلاف مطالعات تک نظریه‌ای، امکان واکاوی هم‌زمان سطوح زبانی، گفتمانی و شناختی را فراهم می‌سازد و تصویری جامع از سازوکارهای معناسازی در رسانه‌های فراملی ارائه می‌دهد.

۲. تعریف مفاهیم اصلی

۲-۱. رسانه‌های فراملی فارسی‌زبان

رسانه‌هایی که با عبور از مرزهای جغرافیایی و سیاسی، مخاطبان چندملیتی را هدف قرار می‌دهند و تحت‌تأثیر ساختار مالکیتی، وابستگی‌های سیاسی و نظام‌های رسانه‌ای فعالیت می‌کنند. رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور (بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال و رادیو فردا) نمونه‌ای از این رسانه‌ها هستند. بی‌بی‌سی فارسی زیرمجموعه سرویس جهانی بی‌بی‌سی است، ایران اینترنشنال رسانه‌ای ۲۴ ساعته مستقر در لندن و رادیو فردا بخش فارسی رادیو اروپای آزاد (رادیو آزادی) است که با بودجه کنگره آمریکا فعالیت می‌کند.

۲-۲. بازنمایی سیاسی

فرایندی که طی آن رسانه‌ها با انتخاب گزینشی عناصر خبری، واقعیت‌های سیاسی را به‌گونه‌ای تصویر می‌کنند که حامل ارزش‌گذاری‌های ضمنی و سوگیری‌های معنایی باشند (انتمن، ۱۹۹۳؛ مهدی‌زاده، ۱۳۸۷). این مفهوم در تحلیل تفاوت روایت‌ها از رخدادهایی چون اغتشاشات، انتخابات، حملات خارجی و درگیری‌های نظامی کاربرد دارد.

۲-۳. روایت‌سازی رسانه‌ای

سازمان‌دهی رخدادهای سیاسی در قالب داستان‌هایی با پی‌رنگ مشخص،[3] کنشگران معین و روابط علی، با هدف اثرگذاری بر فهم مخاطب از علت، مسئولیت و پیامدهای رویداد است.

---

1. Framing Theory
2. Concepts of Cognitive Warfare and Soft Security
۳. در ادبیات و داستان‌نویسی وقتی نظم تاریخی و منطقی حوادث را می‌خواهیم بیان کنیم از پی رنگ استفاده می‌شود در اینجا ساختار و طرحی مشخص و تواتر تاریخی مطالب مدنظر است.

روایت‌سازی در قالب‌های خبری، تحلیلی، تصویری و تفسیری رخ می‌دهد (انتمن، ۱۹۹۳: ۳۳-۱۴؛ ون‌دایک، ۱۹۹۳؛ و مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۳-۱۹).

۲-۴. تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی، به‌ویژه مدل سه‌لایه‌ای فرکلاف[1] (۱۹۹۵)، نقش زبان را در بازتولید یا به چالش کشیدن ساختارهای قدرت بررسی می‌کند. این مدل با تفکیک تحلیل به سه سطح «متن» (واژگان، دستور و انسجام)، «کنش گفتمانی» (تولید، توزیع و مصرف متن) و «زمینه اجتماعی» (مناسبات قدرت و ایدئولوژی)، چارچوبی نظام‌مند برای پژوهش فراهم می‌آورد. در این پژوهش، از تحلیل گفتمان انتقادی به‌عنوان ابزاری برای تحلیل جزئیات زبانی و گفتمانی روایت‌ها استفاده می‌شود تا نشان داده شود که انتخاب‌های زبانی و ساختاری، چگونه به بازنمایی‌های جهت‌دار می‌انجامند (فرکلاف، ۱۹۹۵؛ ون‌دایک، ۱۹۹۳). مطالعات تحلیل گفتمان انتقادی نشان می‌دهند این جهت‌گیری‌ها از طریق مکانیزم‌هایی مانند: نام‌گذاری و برچسب‌گذاری، گزینش واژگان و شدت‌گذاری، تخصیص عامل یا مفعول در ساختارهای نحوی، کاربست مدالیته، ارجاع‌دهی به منابع و حذف یا برجسته‌سازی اطلاعات تحقق می‌یابند (فرکلاف، ووداک و مایر، ۲۰۰۹).

۲-۵. نظریه قاب‌بندی

نظریه قاب‌بندی انتمن[2] (۱۹۹۳) به فرایند «انتخاب و برجسته‌سازی» جنبه‌هایی از واقعیت توسط رسانه‌ها می‌پردازد. در این پژوهش، نظریه قاب‌بندی به‌عنوان چارچوب اصلی برای شناسایی الگوهای کلان روایت‌سازی به کار می‌رود. مدل چهاربعدی انتمن (تعریف مسئله، نسبت‌دهی علل، ارزیابی اخلاقی و توصیه سیاست) ابزاری نظام‌مند برای شناسایی قاب‌های غالب مانند: «بحران یا تهدید»، «مشروعیت‌زدایی»، «قربانی‌سازی» و «امنیت نرم» فراهم می‌کند.

۲-۶. جنگ شناختی و امنیت نرم

جنگ شناختی به مجموعه کنش‌های رسانه‌ای و روانی اطلاق می‌شود که هدف آن تأثیرگذاری بر شیوه تفکر و ادراک مخاطب است (سینگر و بروکینگ، ۲۰۱۸: ۲۲-۴۵). امنیت نرم (نای، ۲۰۰۴) بر توانایی تأثیرگذاری بر ترجیحات و باورها ازطریق روایت‌سازی و مدیریت معنا تأکید دارد.

---

1. Fairclough
2. Entman

برای درک اهداف و پیامدهای بالقوه روایت‌های رسانه‌ای، مفاهیم جنگ شناختی (سینگر و بروکینگ، ۲۰۱۸: ۵۳–۱۰) و امنیت نرم (نای، ۲۰۰۴) به کار گرفته شده‌اند. جنگ شناختی به رقابت بر سر شکل‌دهی به ادراک و باورهای مخاطب اشاره دارد و در این پژوهش برای تبیین راهبردهای روایت‌سازی مانند: «برجسته‌سازی تهدید»، «مشروعیت‌زدایی» و «نمادگرایی» به کار می‌رود. امنیت نرم نیز به توانایی تأثیرگذاری بر ترجیحات و رفتار دیگران از طریق جذابیت و روایت‌سازی گفته می‌شود که در اینجا برای تحلیل نحوه اثرگذاری این رسانه‌ها بر ادراک سیاسی مخاطبان فارسی‌زبان استفاده شده است.

۳. مدل مفهومی سه‌گانه پژوهش

نوآوری تحلیلی این پژوهش در تلفیق چارچوب‌های نظری فوق به‌منظور ارائه یک مدل تحلیلی سه‌گانه است که امکان واکاوی نظام‌مند روایت‌سازی در شرایط بحران و سنجش پیامدهای ادراکی آن را فراهم می‌سازد. این مدل شامل سه مؤلفه اصلی است:

۳-۱. قاب‌بندی امنیتی

برجسته‌سازی تهدید و بحران، بازتولید معنا در سطح امنیتی. رسانه‌ها با استفاده از واژگان شدت‌زا و نمایش ابعاد نظامی و امنیتی رویدادها، حس اضطرار و مخاطره را در مخاطب تقویت می‌کنند.

۳-۲. معماری اعتبار منابع

ترکیب هدفمند منابع رسمی، منابع ناشناس و محتوای کاربرمحور برای ساختاردهی به مشروعیت روایت. رسانه‌ها از طریق ارجاع به «شاهدان عینی» یا «ویدئوهای رسیده» و نیز بهره‌گیری از منابع رسمی، اعتبار روایت خود را افزایش می‌دهند.

۳-۳. محرک‌های رقابتی

شامل سرعت انتشار (استفاده از قالب‌های خبر فوری)، ادعای انحصار منبع (ارائه اطلاعات به‌عنوان «اختصاصی») و جذابیت نمادین و تصویری (به کارگیری تصاویر نمادین و تیترهای تحریک‌آمیز).

این سه سازوکار به‌صورت هم‌افزا عمل می‌کنند و چارچوبی یکپارچه برای تحلیل تعامل میان رسانه‌ها، منابع و مخاطبان فراهم می‌آورند.

۴. روش‌شناسی پژوهش

۴-۱. نوع پژوهش

پژوهش حاضراز نوع کیفی و برای انجام آن از روش تحلیل گفتمان استفاده شده است. باتوجه‌به هدف پژوهش مبنی بر شناسایی الگوهای معنایی و گفتمانی، این رویکرد امکان واکاوی عمیق و تفسیری روایت‌های رسانه‌ای را فراهم می‌سازد؛ بنابراین پژوهش حاضر از نوع کیفی و نظریه‌محور است. واحد تحلیل «روایت خبری» تیتر، لید و متن اصلی گزارش است.

۴-۲. جامعه و نمونه

جامعه آماری شامل تمامی روایت‌های خبری و تحلیلی سه رسانه: بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال و رادیو فردا در بازه خرداد ۱۴۰۱ تا تیر ۱۴۰۴ است که با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند، و در کل تعداد ۱۲۲ روایت انتخاب گردید. معیارهای انتخاب به‌صورت عملیاتی تعریف شدند: شدت و گستره پوشش (روایت‌هایی که بیش از سه گزارش مرتبط درباره یک موضوع دارند یا طول متن $\leq$ ۳۰۰ کلمه)، تنوع گفتمانی (وجود حداقل دو قاب گفتمانی متمایز در پوشش یک موضوع)، ارتباط با مفاهیم نظری (وجود دست‌کم یک نشانه مرتبط با مفاهیم کلیدی پژوهش) و قابلیت تحلیل سه‌سطحی (شواهد قابل‌تحلیل در حداقل دو سطح از سه سطح فرکلاف: متن، کنش گفتمانی، زمینه اجتماعی).

۴-۳. ابزار و فرایند تحلیل

چارچوب اصلی تحلیل، بر مبنای مدل سه‌لایه‌ای فرکلاف (متن یا کنش گفتمانی و یا زمینه اجتماعی) است. در فرایند تحلیل از شاخص‌ها و سازوکارهای تحلیل گفتمان انتقادی استفاده شد، همراه با شاخص‌های مکمل شامل: سوگیری منبع، مشروعیت‌زدایی، رقابت ادراکی و قاب‌بندی متعارض بود. کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی انجام شد:

- کدگذاری باز: استخراج واحدهای معنایی و نشانه‌های زبانی برجسته
- کدگذاری محوری: دسته‌بندی و سامان‌دهی کدها در قالب قاب‌ها و مکانیزم‌های تحلیلی
- کدگذاری انتخابی یا تحلیلی: پیونددادن الگوهای زبانی به کنش گفتمانی و زمینه اجتماعی و تدوین الگوهای گفتمانی غالب.

در مواردی که تحلیل ساختار روایی لازم بود، عناصر پی‌رنگی (بازیگران، نقطه اوج، جهت‌گیری روایت) استخراج و با یافته‌های تحلیل گفتمان انتقادی تلفیق شد، کدبوک[1] نهایی شامل تعاریف مفهومی و نمونه‌های کدگذاری است.

۴-۴. اعتبار و پایایی[2]

برای تضمین اعتبار و قابلیت اتکا پژوهش اقدامات زیر انجام شد:

مطالعه مقدماتی[3]: فاز مطالعه مقدماتی بر روی ۲۰-۳۰ روایت اجرا و کدبوک بازنگری شد.

پایایی درون کدگذار: پایایی درون کدگذار از طریق بازکدگذاری ۲۰ درصد از روایت‌ها پس از دو هفته محاسبه و میزان توافق ۸۵ درصد گزارش گردید. وضعیت دسترسی روایت‌ها نیز ثبت شد که بیش از ۹۸ درصد دارای لینک معتبر هستند.

۵. یافته‌ها

۵-۱. توصیف داده‌ها

مجموعه داده‌ها شامل ۱۲۲ روایت از سه رسانه در بازه زمانی موردنظر است. جدول ۱ توزیع روایت‌ها را به تفکیک رسانه و سال نشان می‌دهد:

جدول ۱. توزیع روایت‌ها به تفکیک رسانه و سال

رسانه	تعداد روایت‌ها (۱۴۰۱)	تعداد روایت‌ها (۱۴۰۲)	تعداد روایت‌ها (۱۴۰۳)	تعداد روایت‌ها (۱۴۰۴ تا تیرماه)	مجموع کل
بی‌بی‌سی فارسی	۸	۲	۱۴	۱۷	۴۱
ایران اینترنشنال	۸	۲	۱۴	۱۶	۴۰
رادیو فردا	۸	۲	۱۴	۱۷	۴۱
جمع کل	۲۴	۶	۴۲	۵۰	۱۲۲

روند افزایشی روایت‌ها از سال ۱۴۰۲ به بعد نشان‌دهنده تشدید بحران‌ها و پوشش گسترده‌تر رسانه‌ای است.

1. Codebook
2. Validity and Reliability
3. Pilot

۲-۵. تحلیل تماتیک و قاب‌های معنایی غالب

تحلیل داده‌ها نشان داد که هفت مقوله اصلی در روایت‌های هر سه رسانه قابل‌شناسایی است: قاب بحران و تهدید، مشروعیت‌زدایی، سوگیری منبع، تکنیک‌های روایت‌سازی، پیامدهای ادراکی، رقابت ادراکی و نمادگرایی.

۲-۵-۱. قاب بحران و تهدید

اولین یافته مهم، غلبه قاب بحران و تهدید در هر سه رسانه است. رسانه‌ها با استفاده از واژگان شدت‌زایی مانند: «شوک»، «حمله بی‌سابقه» و «فاجعه»، حس اضطرار و مخاطره را در مخاطب برمی‌انگیختند. در این قاب‌بندی، بی‌بی‌سی فارسی بیشتر بر تهدید خارجی و واکنش‌های بین‌المللی تمرکز داشت، درحالی‌که ایران اینترنشنال و رادیو فردا پیامدهای داخلی مانند: ناامنی و بحران اجتماعی را برجسته می‌کردند.

۲-۵-۲. مشروعیت‌زدایی

دومین یافته مهم، کاربرد گسترده قاب مشروعیت‌زدایی در روایت‌هاست. بر اساس جدول ۲، این تم در ایران اینترنشنال و رادیو فردا با شدت بیشتری دیده می‌شود. رسانه‌ها با برجسته‌سازی ناکامی‌های امنیتی، بحران‌های داخلی و نسبت‌دادن مستقیم مسئولیت به حکومت، مشروعیت نهادهای رسمی را تضعیف می‌کردند. نقد روایت رسمی و بازنمایی تضاد میان ادعاهای حکومت و واقعیت‌های میدانی، از دیگر شگردهای مشروعیت‌زدایی بود.

جدول ۲. شدت و تواتر تم‌های غالب در سه رسانه بر اساس تحلیل محتوا

رسانه	بحران یا تهدید	مشروعیت‌زدایی	بحران شفافیت یا ارجاع	بین‌المللی‌سازی	زبان ارزیابانه
بی‌بی‌سی فارسی	بالا	متوسط	کم	بالا	کم
ایران اینترنشنال	متوسط	بالا	متوسط	بالا	بالا
رادیو فردا	متوسط	بالا	بالا	متوسط	بالا

۲-۵-۳. سوگیری منبع

سومین یافته، سوگیری آشکار در انتخاب منابع است. بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده و مستندات موجود در دفترچه کدها، روایت‌های رسمی حکومتی اغلب با شک‌وتردید بازگو می‌شدند، درحالی-

که منابع ناشناس یا مخالفان حکومت با اعتبار بیشتری بازنمایی می‌شدند. تضاد میان روایت حکومتی و رسانه‌های خارجی، به‌عنوان یک الگوی تکرارشونده در تمام رویدادها مشاهده شد.

۲-۵-۴. تکنیک‌های روایت‌سازی

چهارمین یافته به تکنیک‌های روایت‌سازی اختصاص دارد. رسانه‌ها با بهره‌گیری‌از:

- **واژگان شدت‌زا:** مانند «شوک»، «حمله بی‌سابقه»، «فاجعه»؛
- **ارجاع به منابع ناشناس:** «شاهدان عینی»، «منابع محلی» و «ویدئوهای رسیده»؛
- **زبان ارزیابانه:** «ناعادلانه»، «غیرانسانی» و «خشن»؛

تصویری جهت‌دار از واقعیت ارائه می‌دادند. چینش هدفمند اطلاعات به‌گونه‌ای که نتیجه‌گیری خاصی را به مخاطب القا کند و استفاده از تصاویر نمادین برای انتقال بار احساسی، از دیگر تکنیک‌های پرکاربرد بود.

۲-۵-۵. پیامدهای ادراکی

پنجمین یافته به پیامدهای ادراکی این روایت‌ها بر مخاطبان اشاره دارد. شواهد کیفی نشان می‌دهد که این روایت‌ها توانسته‌اند نگرش سیاسی و امنیتی مخاطبان را تغییر داده و ادراک آن‌ها از مشروعیت سیاسی را بازتعریف کنند. اثبات قطعی این رابطه علّی نیازمند مطالعات کمّی و تجربی است.

۲-۵-۶. رقابت ادراکی

ششمین یافته، رقابت ادراکی میان رسانه‌هاست. تفاوت در انتخاب منابع و ژانرهای رسانه‌ای (خبر فوری، گزارش تحلیلی، میزگرد و...) نشان‌دهنده رقابت بر سر معنا و چارچوب‌بندی رویدادهاست. این رقابت نشان می‌دهد که رسانه‌ها صرفاً بازتاب‌دهنده رویدادها نیستند، بلکه بازیگران فعالی در میدان جنگ شناختی محسوب می‌شوند.

۲-۵-۷. نمادگرایی

هفتمین یافته، استفاده گسترده از نمادگرایی است. حمله به مراکز نمادین مانند: صداوسیما یا حرم شاه‌چراغ و استفاده از نمادهایی مانند: تصاویر زنان معترض یا شعارهای خاص، به‌عنوان ابزاری برای جهت‌دهی معنا و افزایش اثرگذاری ادراکی به کاررفته است.

۶. نمونه‌های شاخص از روایت‌ها

در این بخش، به تحلیل نمونه‌هایی از روایت‌های شاخص هر یک از سه رسانه پرداخته می‌شود:

۶-۱. روایت ایران اینترنشنال با شناسه*IINT_004*:

این روایت باعنوان «سه شاهد عینی گفتند آتش‌سوزی اوین کار خود حکومت بود» نمونه‌ای از کاربرد هم‌زمان دو راهبرد «مشروعیت‌زدایی» و «ارجاع به منابع ناشناس» است. در این روایت، رسانه با استناد به شاهدان عینی ناشناس، روایت رسمی حکومت (آتش‌سوزی در انبار لباس) را به چالش کشیده و مسئولیت حادثه را مستقیماً متوجه حکومت می‌کند.

۶-۲. روایت بی‌بی‌سی فارسی با شناسه*BBCP_030*:

تیتر «ایران در شوک حمله بی‌سابقه اسرائیل» نمونه‌ای برجسته از قاب‌بندی بحران و یا تهدید با استفاده از واژگان شدت‌زاست. کاربرد کلماتی مانند «شوک» و «بی‌سابقه» حس اضطرار و مخاطره را در مخاطب برمی‌انگیزد و رویداد را در سطح تهدیدی بی‌سابقه بازنمایی می‌کند.

۶-۳. روایت رادیو فردا با شناسه*RF_004*:

این روایت با عنوان «روایت جعلی رسانه‌های حکومتی از واقعه اوین» نمونه‌ای از رویکرد انتقادی این رسانه در برجسته‌سازی «بحران شفافیت» و «تضاد روایت رسمی و مستقل» است. رادیو فردا در این روایت، با نفی روایت رسمی، به بازنمایی شکاف میان ادعاهای حکومت و واقعیت‌های میدانی می‌پردازد.

۶-۴. روایت ایران اینترنشنال با شناسه*IINT_039*:

گزاره «حمله موشکی سپاه به پایگاه آمریکا در قطر» که در چارچوب پوشش جنگ دوازده‌روزه منتشر شده، نمونه‌ای از قاب‌بندی «درگیری مستقیم» و «نظامی‌سازی» رویدادهاست. این روایت با برجسته‌سازی ابعاد نظامی تنش، به تشدید فضای بحران کمک می‌کند.

۶-۵. روایت بی‌بی‌سی فارسی با شناسه*BBCP_028*:

تیتر «رسانه‌های جهان از حمله اسرائیل به ایران چه می‌گویند؟» نمونه‌ای از راهبرد «بین‌المللی‌سازی» بحران است. این رسانه با انعکاس واکنش‌های جهانی، ابعاد بین‌المللی رویداد

را برجسته کرده و به مشروعیت‌بخشی یا مشروعیت‌زدایی از کنشگران از طریق بازتاب دیدگاه‌های خارجی می‌پردازد.

مطالعه موردی: جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل

جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل (۲۳ خرداد ۱۴۰۴ تا ۴ تیر ۱۴۰۴) به‌عنوان مطالعه موردی کانونی تحلیل شد. این جنگ چهار مرحله اصلی داشت:

- مرحله آغاز: حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق و شهادت چند تن از فرماندهان سپاه؛
- مرحله تشدید: پاسخ موشکی ایران و سپس حمالت گسترده اسرائیل به مراکز نظامی و هسته‌ای ایران؛
- مرحله واکنش‌های بین‌المللی: نشست شورای امنیت، ورود مستقیم آمریکا به مناقشه و مواضع گروه هفت؛
- مرحله پایان: اعلام آتش‌بس با میانجی‌گری قطر پس از ۱۲ روز درگیری.

در پوشش این جنگ، چهار الگوی گفتمانی اصلی مشاهده شد:

جدول ۳. الگوهای گفتمانی در پوشش جنگ دوازده‌روزه

کدهای برجسته	نمونه روایت	مصادیق	الگو
قاب بحران؛ مشروعیت‌زدایی	ایران در شوک حمله بی‌سابقه اسرائیل	برجسته‌سازی خطر + ناکامی حکومت	قاب‌بندی هم‌زمان بحران یا تهدید و مشروعیت‌زدایی
شاهد نامعلوم؛ سوگیری منبع	سه شاهد عینی گفتند آتش‌سوزی اوین کار خود حکومت بود	شاهدان محلی، ویدئوهای رسیده	اتکا به منابع ناشناس
ادعاهای فنی؛ نیاز به تأیید	چه مناطق و افرادی در ایران هدف حمله اسرائیل بودند؟	تعداد موشک‌ها، میزان تخریب	ادعاهای فنی/نظامی بدون تأیید
نمادگرایی	پوشش حمالت به مراکز نمادین	حمله به صداوسیما، هدف‌گیری در سالگردها	نمادگرایی

تحلیل سه‌سطحی فرکلاف بر روی این روایت‌ها نشان داد که در سطح متن، واژگان شدت‌زا؛ در سطح کنش گفتمانی، انتخاب ژانرهای خبری متفاوت (خبر فوری، گزارش اختصاصی، میزگرد تحلیلی) و در سطح زمینه اجتماعی، بستر بحران منطقه‌ای و رقابت ادراکی، نقش کلیدی در جهت‌دهی به روایت‌ها داشته‌اند.

روند زمانی روایت‌ها

تحلیل روند زمانی روایت‌ها نشان می‌دهد که پیک‌های روایت‌ها دقیقاً هم‌زمان با رویدادهای اصلی بوده است:

- شهریور – مهر ۱۴۰۱: اوج روایت‌های مرتبط با ناآرامی‌های «زن، زندگی، آزادی»؛
- مهر – آبان ۱۴۰۱: هم‌زمانی بحران اوین و شاه‌چراغ؛
- دی ۱۴۰۲: پیک جدید با انفجارهای کرمان؛
- فروردین – تیر ۱۴۰۴: جنگ دوازده‌روزهو پوشش گسترده آن.

همچنین قاب‌های غالب در طول زمان تغییر می‌کردند، برای نمونه؛ در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ قاب «سرکوب داخلی» پررنگ‌تر بود، درحالی‌که در جنگ دوازده‌روزهقاب «تهدید خارجی» غلبه یافت. این نشان می‌دهد روایت‌ها پویا و متغیرند.

تحلیل تطبیقی سه رسانه

بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، تفاوت‌های معناداری میان سه رسانه در بازنمایی رویدادها مشاهده شد

جدول ۴. ویژگی‌های گفتمانی سه رسانه

ردیف	رسانه	منابع اصلی	زبان	قاب قالب
۱	بی‌بی‌سی فارسی	ترکیب منابع رسمی و بین‌المللی	تحلیلی و نسبتاً مستند	تهدید خارجی + واکنش‌های بین‌المللی
۲	ایران اینترنشنال	منابع ناشناس و شاهدان محلی	هیجانی و ارزیابانه	سرکوب داخلی + قربانی‌سازی
۳	رادیو فردا	تحلیل‌های کارشناسی و منابع رسمی	انتقادی–تحلیلی	بحران شفافیت + تضاد روایت رسمی

این تفاوت‌ها با جهت‌گیری نهادی هر رسانه شامل ساختار مالکیت، منبع تأمین مالی و خط‌مشی تحریری هم‌راستا است.

ترکیب‌یافته‌ها نشان می‌دهد که هم‌پوشانی قاب بحران و مشروعیت‌زدایی، یک راهبرد مشترک در هر سه رسانه بوده است. تفاوت‌های ژانری و انتخاب منابع به‌وضوح قابل‌مشاهده است. این نتایج تأکید می‌کند که رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی نه‌تنها بازتاب‌دهنده رویدادها

نیستند، بلکه با تولید و بازتولید معنا، در میدان جنگ شناختی نقش فعالی ایفا می‌کنند. تمام فرضیه‌های پژوهش بر اساس این یافته‌ها تأیید شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌های مورد بررسی از الگوهای گفتمانی متمایزی بهره می‌گیرند که در بسیاری موارد با گفتمان رسمی داخلی تفاوت‌های معناداری دارد. در سطح زبانی، کاربرد نظام‌مند واژگان شدت‌زا و زبان ارزیابانه، رویدادها را در چارچوب‌هایی عاطفی و ارزش‌گذارانه صورت‌بندی می‌کند که با مدل سه‌لایه‌ای فرکلاف (۱۹۹۵) هم‌خوانی دارد.

در سطح گفتمانی، چهار الگوی اصلی شناسایی‌شده نشان می‌دهد که رسانه‌ها فراتر از بازتاب صرف رویدادها، به طور فعال درحال «جهت‌دهی» به تفسیر مخاطب هستند. این یافته با نظریه قاب‌بندی انتمن (۱۹۹۳) قابل‌تبیین است. بااین‌حال، نکته مهم این است که این پژوهش صرفاً الگوهای روایی متفاوت را شناسایی کرده و نمی‌تواند و ادعا کند که این تفاوت‌ها لزوماً ناشی از یک «نیت» سازمان‌یافته برای جنگ شناختی است. یافته‌ها نشان‌دهنده «هم‌سویی» این الگوها با سازوکارهای تعریف‌شده در ادبیات جنگ شناختی است، اما اثبات «قصد» یا «تأثیر» آن بر مخاطب، نیازمند مطالعات جداگانه‌ای است. در سطح زمینه اجتماعی، جهت‌گیری گفتمانی هر رسانه با ساختار نهادی، منبع تأمین مالی و مأموریت رسمی آن هم‌راستا است (هالین و مانچینی، ۲۰۰۴). همچنین، باید اذعان کرد که این پژوهش با رسانه‌های داخلی مقایسه‌ای انجام نداده است؛ ازاین‌رو، نمی‌توان تعیین کرد که تفاوت‌های مشاهده‌شده، صرفاً ناشی از «سوگیری» است یا اینکه می‌توان آن را به تفاوت‌های بنیادین در رویکردهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری نسبت داد.

پرسش اصلی پژوهش این بود که رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی چگونه رویدادهای سیاسی ایران را بازنمایی کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این بازنمایی با بهره‌گیری از قاب‌های «بحران یا تهدید»، «مشروعیت‌زدایی» و «امنیت نرم»، از طریق تکنیک‌های زبانی، گفتمانی و نمادین مشخصی صورت‌گرفته است. هر سه فرضیه پژوهش (وجود جهت‌گیری گفتمانی متمایز، کاربرد نظام‌مند قاب‌های خاص، و بهره‌گیری هدفمند از تکنیک‌های روایت‌سازی) بر اساس تحلیل ۱۲۲ روایت و مستندات ارائه‌شده تأیید می‌شوند.

از منظر نظری، این پژوهش با تلفیق تحلیل گفتمان انتقادی و نظریه قاب‌بندی در قالب یک مدل مفهومی سه‌گانه، چارچوبی کارآمد برای تحلیل بازنمایی‌های رسانه‌ای ارائه می‌دهد.

در مجموع، نتایج باید در پرتو محدودیت‌هایی تفسیر شوند: ۱) محدودیت دامنه و تعمیم‌پذیری به دلیل تمرکز بر سه رسانه ۲) محدودیت روش‌شناختی در سنجش تجربی «تأثیر» روایت‌ها بر مخاطبان ۳) فقدان بعد تطبیقی با رسانه‌های داخلی.

۷. پیشنهادهای پژوهش

پیشنهادهای پژوهشی در قالب دو محور؛ ارائه پیشنهادها به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران و ارائه پیشنهادها به محققان بعدی مطرح می شود.

۷-۱. پیشنهادهای کاربردی-رسانه‌ای

- پیشنهاد می‌شود علاوه بر تحلیل متن، توصیف و تحلیل تصاویر، تیترها، موشن‌گرافی‌ها و اینفوگرافیک‌ها و سایر نمادها و نمودهای رسانه‌ای مرتبط با درگیری‌های ایران و اسرائیل مورد بررسی قرار گیرد.
- پیشنهاد می‌شود رسانه‌های داخلی به دوگانگی معیارها در بازنمایی حقوق بشر در رسانه‌های خارجی تمرکز داشته باشند.
- پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما به دکترین رسانه‌ای واکنش سریع برای خنثی‌سازی روایت‌های دیگری تمرکز شود.
- پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما به پروتکل‌های اعتبارسنجی برای تفکیک ادعاهای تأییدشده از منابع ناشناس و اطلاعات فنی تأییدنشده، تدوین شود.
- پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی سواد رسانه‌ای انتقادی برای تقویت توانایی تشخیص قاب‌بندی‌های جهت‌دار و شناسایی سوگیری منبع برای برنامه‌سازان، تهیه‌کنندگان و نویسندگان شبکه‌های برون‌مرزی طراحی شود.
- پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما به ایجاد سامانه رصد و تحلیل سریع روایت‌ها برای پایش مستمر الگوهای گفتمانی رسانه‌های فراملی اهتمام شود.

۷-۲. پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی

- برای مطالعات آتی، انجام پژوهش‌های کمی برای سنجش تأثیر نگرش مخاطبان، تحلیل تطبیقی با رسانه‌های داخلی و توسعه مدل کمی برای «شاخص رقابت ادراکی» بر اساس کدهای استخراج‌شده، پیشنهاد می‌شود.

- پیشنهاد می‌شود پژوهش مقایسه‌ای برای بازنمایی رسانه‌های خارجی با رسانه‌های داخلی انجام شود.
- پیشنهاد می‌شود نقش دیپلماسی عمومی و واسطه‌گری رسانه‌ها در آتش‌بس و یا تشدید درگیری موردمطالعه و پژوهش قرار گیرد.

تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند که در فرایند نگارش، ارسال و انتشار این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود نداشته است. همچنین همه ملاحظات اخلاقی پژوهش، ازجمله پرهیز از سرقت ادبی، پرهیز از جعل یا تحریف داده‌ها، ارسال یا انتشار مکرر و ملاحظات مربوط به استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی مطابق قواعد وزارت عتف، رعایت شده است.

فهرست منابع

رحمانی‌حسین‌آبادی، م. (۱۴۰۱). بررسی چگونگی بازنمایی اخبار شبکه ایران اینترنشنال از تحولات داخلی و سیاست منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه یزد]. گنج ایرانداک. https://ac.irandoc.ganj.i

سروستانی، ع.، نویدی‌نیا، ف.، و اکبرزاده، ف. (۱۴۰۲). نقش رسانه فارسی‌زبان خارجی ایران اینترنشنال در اغتشاشات شهریور ۱۴۰۱ از منظر نظریه برجسته‌سازی. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۵(۵۷)، ۵۹-۷۸.

https://www.civilica.com/doc/۲۱۱۳۸۳۱

غرایاق‌زندی، د. (۱۳۸۸). چیستی معنا و مفهوم امنیت نرم. مطالعات راهبردی، ۱۲(۳)، ۱۰۸ -۸۱.
https://quarterly.risstudies.org/article_905.html

قاسمی، ف.، نیرومند، ل.، و میرزاخانیان، آ. (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان پوشش خبری سایت‌های بی‌بی‌سی فارسی و العربیه فارسی در مورد تعهدات برجامی ایران. مطالعات رسانه‌ای، ۱۶(۲)، ۴۵-۶۷.
https://doi.org/10.22034/imrl.2022.149592.

گنجی، ب.، پورجعفری، ع.، و یارکه‌سلخوری، آ. (۱۴۰۱). تحلیل گفتمان اخبار ایران اینترنشنال درباره اغتشاشات پاییز سال ۱۴۰۱. علوم خبری، ۱۱(۴۴)، ۸۳-۹۵.

https://doi.org/۱۰.۲۲۰۳۴/lrsi.۱۱۳۸.۳۹۸۷۳۳.۲۰۲۳

مهدی‌زاده، س.م. (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مکاری، ر. (۱۴۰۳). مقایسه پوشش خبری حادثه تروریستی حرم شاه‌چراغ (ع) در سال ۱۴۰۲، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم‌انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی.

نجفی، س.ح.، زرین‌کلاه، ع.، و هرمزی‌زاده، م.ع. (۱۴۰۲). بازنمایی ناآرامی‌های شهریور و مهر ۱۴۰۱ ایران در شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۱۱(۲۴)، ۹۳۲-۹۶۲.
https://www.doi.org/10.22034/ipr.2024.191720

نورانی‌زنوز، س. (۱۴۰۱). تحلیل انتقادی گفتمان اخبار بحران‌های اجتماعی در بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال،[پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مؤسسه آموزش عالی آذرآبادگان]. گنج ایرانداک
https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/cc۰d۷۹۳۹۹f۴۲c۲a٦dfc۴۲adedc٤e۹dc۳

Bennett, W. L., & Livingston, S. (2018). The disinformation order: Disruptive *European .Journal of* .communication and the decline of democratic institutions *,Communication*, 33(2), 133-139.
https://doi.org/10.1177/0267323118760317

Chouliaraki, L. (2006).SAGE Publications .*The spectatorship of suffering*

Entman, R. M. (1993). .Framing: Toward clarification of a fractured paradigm 51(4)43, *Journal of Communication*- 58.
https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.1993.tb01304

Fairclough, N(1995). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. London and New York: Longman.

A ,inailgidoM & ,.A .W ,nosmaG · (1989). Media discourse and public opinion on (1) 95, *American Journal of Sociology* .nuclear power-37.
https://doi.org/10.1086/229213

Hallin, D. C., & Mancini, P (2004). *Comparing media systems: Three models of* Cambridge University Press. *.media and politics*.

Nye, J. S(2004)PublicAffairs .*Soft power: The means to .success in world politics* .

Semetko, H. A., & Valkenburg, P. M(2000). Framing European politics: A content *,Journal of Communication* .analysis of press and television news *(2)50*, 93-109.
http://doi.org/10.1111/j.1460-2466.2000.tb02843.

T .E ,gnikoorB & ,.W .P ,regniS ·. (2018). *LikeWar: The weaponization of social* Houghton Mifflin Harcourt *.media*.

.K .D ,ussuhT ·(2019) (*International communication: Continuity and change* .3rd ed.(. .Blooms). ury Academic

Van Dijk, T. A. (1993). Principles of critical discourse analysis. *Discourse & Society, 4*(2), 249-283.
https://doi.org/10.1177/0957926593004002006

Van Dijk, T. A(2018) n E. YalazI .*Discourse and migration* and Bar-R. Zapata ero Eds, Qualitative re earch in ration studies, Springer.

.sdE M ,reyeM & ,.R ,kadoW ·(2009) (*Methods of critical discourse analysis*2nd ed(. SAGE .Publications

Wolfsfeld, G (2004) University Pres Cambridge .*Media and the path to .peace*s.